

نامه سرگشاده حزب کمونیست عراق

خطاب به نیروهای مترقی جهان

## فرآیند دمکراسی در عراق آغاز شده است

مبارزه مسلحانه در راه استقلال کشور، با ترور و آدم کشی تفاوت دارد. حزب کمونیست عراق حاضر است با نیروهایی که واقعاً با اشغالگران می جنگند اما از ترور و کشتن شهروندان غیر نظامی پرهیز می کنند به گفتگو بنشینند. گرچه، به نظر ما آنها، یعنی اسلام گرایان افراطی و طرفداران رژیم سابق نیروی قابل توجهی نیستند.

حزب کمونیست عراق در نامه سرگشاده ای به تحلیل اوضاع داخل عراق تحت اشغال امریکا و کشورهای هم پیمان امریکا در عراق پرداخته و دیدگاه های خود را در زمینه ضرورت مبارزه و فعالیت علنی، اتحاد نیروها و آینده تحولات در این کشور تشریح کرده است. در این نامه مسئله مبارزه مسلحانه بعنوان شکلی از اشکال مبارزه از عملیات تروریستی در عراق تفکیک شده و ضمن برشماری دیگر اشکال ممکن و موجود برای فعالیت و مبارزه در عراق، یاد آور شده که مبارزه مسلحانه آخرین راه حل است، اما هنوز امکانات و راه حل های دیگری برای پایان بخشیدن به اشغال کشور موجود است. در این نامه آمده است

### وضع بی سابقه

وضع پدید آمده در عراق پس از جنگ و فروپاشی رژیم دیکتاتوری با ویژگی و پیچیدگی های تقریباً بی سابقه مشخص می گردد. این وضع با نمونه های تاریخی اشغال کشورها در پیوند با جنگ های استعماری و اشغال اروپا توسط نازی ها در دهه های پیشین متفاوت است. این جا است که سرچشمه اشتباه و اختلاف در ارزیابی از وضع موجود که از همخوانی برون از زمینه ی تاریخی، بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص در عراق استنتاج شده است روشن می گردد.

مورد ارزیابی قرار دادن وضع به این گونه که عراق کشوری است اشغال شده و در نتیجه حمایت از مبارزه آزادی بخش ملی خلق این کشور با هدف بیرون راندن اشغال گران و کسب استقلال، ضرورتی است انکارناپذیر، منجر به کم بها دادن و بی توجهی به عوامل مهم دیگری که باید آنها را در نظر گرفت شده است. چنین ارزیابی، نه تنها مسئولیت رژیم دیکتاتوری را در ایجاد شرایطی که مداخله خارجی را تسهیل کرد به فراموشی می سپارد بلکه رویکرد اکثریت عظیم مردم عراق را که از فروپاشی رژیم استقبال کردند اما به متجاوزین با گل خوش آمد نگفتند را نیز فراموش می کند. بالاتر از همه، چنین تحلیلی از پیامدهای سقوط همه جانبه دولت عراق که از یکسو به خلاء نهادهای رسمی و امنیتی و از سوی دیگر نبود مداخله فعالانه مردم عراق در تمام اشکال اجتماعی و سیاسی خود در صحنه سیاسی منجر گردید درک روشنی نمی دهد. از این جهت، بدون در نظر گرفتن الزامات شرایط داخلی و مبارزه موجود پیرامون شکل و محتوای روند بازسازی دولت عراق و نهادهای مدنی ممکن نیست که به مسئله پایان دادن به اشغال و احیای استقلال کامل ملی که هدف عمده مرحله کنونی است پرداخت. هدف ما این است که ملی و دمکراتیک بودن چنین دولتی هم از نظر سیاسی و هم اجتماعی تضمین گردد.

در باره ی جدل های مداخله خارجی و توانایی آن در برقراری دموکراسی، مایلیم به سند حزبی خود که اعلام موضع حزب در زمان پیش از و بویژه در آستانه جنگ است رجوع

کنیم. ما در آن زمان جنگ را به عنوان وسیله ای برای دگرگونی نفی کردیم و آن را بدترین گزینه تشخیص دادیم. ما بطور مکرر تأکید کردیم که جنگ، دخالت نظامی و اشغال به منزله شیوه های رهایی از رژیم دیکتاتوری غیر قابل پذیرش اند. ما به این نکته اشاره کردیم که گزینه جنگی ما را به دموکراسی واقعی رهنمون نمی کند، زیرا چنین راهی خطرات بسیار و واکنش های پرمخاطره و غیرقابل پیشبینی با خود دارد. آزمون عراق از زمان سقوط دیکتاتوری دلایل زیادی در این زمینه بدست داده است.

ما کاملاً از این امر که دموکراسی فرآیندی تاریخی چند سویه با ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است آگاهیم. تردیدی نیست که همه ی پیش شرط های ساختاری برای دموکراسی در جامعه ی عراق هنوز به رسایی و بالندگی کامل نرسیده اند. اما نهادینه کردن **دموکراسی در تمامی جنبه های آن**، فرآیندی طولانی و درهم پیچیده ای است. ما بر این باوریم که این فرآیند هم اکنون در عراق **آغاز شده** است و هیچگونه توهمی در سیر تکامل و کاستی های آن نداریم. ما در راه تشکیل گسترده ترین وحدت ممکن بین این نیروها برای پیگیری این فرآیند و تکمیل و آماده سازی شرایط موفقیتش مبارزه می کنیم. چنین روندی می تواند در شرایط اشغال نیز آغاز گردد، که در حقیقت آغاز شده است، اما نمی تواند به همه ی لازمه های آن بدون بازگرفتن استقلال ملی که یگانه سرچشمه آن اراده آزادانه مردم است دست یابد. بنابراین، **درست نیست** که تمام دستاوردهای این روند را به سبب حضور نیروهای خارجی بی ارزش بینداریم. برعکس، پیکار برای تحکیم دموکراسی با تمام وسایل سازنده آن، نه تنها با پایان اشغال در این فرآیند درهم آمیخته، بلکه اهرمی برای کسب آن نیز به شمار می رود.

### پس از اشغال

جنگ در شرایطی به وقوع پیوست که آمریکا برای تأمین منافع خود و به هدف استقرار برتری در منطقه و در سراسر جهان یک استراتژی جهانی را دنبال می کرد. دکترین "جنگ های پیش گیرانه" مظهر واقعی این استراتژی است. هدف از به راه انداختن این جنگ، تغییر نقشه سیاسی منطقه، در ارتباط با طرح خاورمیانه بزرگ بود. حزب ما به خوبی بر همه این نکات واقف است و دید روشنی نسبت به این موضوع دارد و بر همین اساس هم با جنگ مخالف بود.

اما پس از وقوع جنگ و در پی سقوط رژیم و دولت عراق، عناصر تازه ای در اوضاع داخلی پدید آمدند که حزب ما می بایست نسبت به آنها موضع گیری کند و با هدف بهره گیری از آنها به نفع برنامه دموکراتیک ملی اش بر آنها تأثیر بگذارد. با توجه به این وضع بود که در نخستین ماه های پس از سقوط رژیم، ما تلاش زیادی کردیم که نیروهای میهنی عراق برای پر کردن خلا سیاسی بوجود آمده بسیج کنیم و بهترین توازن ممکن را در بین نیروهای ملی در رویارویی با نیروهای اشغال گر بوجود آوریم تا از این طریق بتوانیم خواست ملی مردم را بر جریان رویدادها تحمیل کنیم. اما به دلایل گوناگون این هدف حاصل نشد. زمانی که از ما خواسته شد که در شورای حکومتی و به طور کلی در فرآیند سیاسی شرکت کنیم، ما پس از مطالعه دقیق اوضاع و مشورت با کادرها و اعضای حزب در سطحی گسترده، تصمیم گرفتیم که وارد شورا شویم. در عین حال ما بر لزوم آمیختن مبارزه میان ارگان های تازه شکل گرفته با مبارزه جاری در بیرون از این ارگان ها، در زمینه های گوناگون اقدام های جمعی، تأکید داشتیم.

ارزیابی ما در آن زمان، که امروزه هم به قوت و صحت خود باقی است، این بود که با توجه به شرایط حاکم و توازن نیروها در عراق، هیچ گزینه دیگری وجود ندارد که بتواند چشم انداز سیاسی اعاده امنیت و نظم در کشور را ترسیم کند و کشور را در مسیر بازسازی و رشد ببیند. توسل به اقدام نظامی می تواند برخی جنبه های فرآیند سیاسی را کند و سد کند،

موجب مشقت برای مردم شود، و برگ برنده ای برای تأمین موقعیت برتر و کسب منافع بیشتر برای کسانی باشد که چنین اقدامی را به کار می گیرند. اما این حرکت نظامی هیچ چشم انداز سیاسی برای حل مسائل کشور، چه پایان دادن به اشغال و چه بازسازی دولت در بر ندارد، چه برسد به این که بخواهد دموکراسی را برقرار کند. پیشرفت فرایندهای سیاسی و برگزاری انتخابات عمومی در ژانویه ۲۰۰۵ نشان داد که اقدام نظامی فاقد یک چشم انداز سیاسی است.

فرایند سیاسی در کشور با دو گونه تناقض یا تضاد رو به روست. اول، تضاد بین مؤلفه های این فرایند در کل از یک سو و نیروهای مخالف آن، بویژه طرفداران رژیم ساقط شده و اسلام گراهای افراطی از سوی دیگر. دوم، تضاد و تناقض در میان جریان ها و نیروهای سیاسی تشکیل دهنده که دیدگاه ها و نقشه ها و برنامه های اجتماعی متفاوت و شاید متناقضی دارند. چگونگی تغییر رژیم، و تغییراتی که در دنیا در حال وقوع است، نیروهایی سیاسی و اجتماعی متعهد به برنامه های دموکراتیک ملی نه تنها در بهترین موقعیت ممکن قرار ندارند، بلکه نسبت به نیروهای قومی، فرقه ای و مذهبی در موقعیت ضعیف تری نیز قرار دارند. نیروهای اخیر به اندازه سازمان های مدنی و نیروهای دموکراتیک از استبداد و سرکوب لطمه ندیدند. آنها حتی از این وضع سود بردند که عبادتگاه ها مأمّن و محل تحصن مردم بودند و می شد از آنها به عنوان محملی برای تبلیغ و بسیج سیاسی استفاده کرد. اما وضع به همین منوال هم باقی نمی ماند. آمریکا و متحدانش نقشی عمده در رویدادهای جاری عراق دارند. با وجود این، **اشتباه است** اگر نقش عوامل داخلی و بازیگران عراقی نادیده گرفته شود. حوادث و رویدادهای عراق نشان می دهند که نیروهای داخلی می توانند تأثیر تعیین کننده ای در جهت گیری، مضمون و سرعت رشد تحولات سیاسی کشور داشته باشند. هرچه نیروهای عراقی صفوف شان را متحدتر کنند و برای دستیابی به اهداف ملی مورد توافق شان کار مشترک بیشتری بکنند، این تأثیر قوی تر خواهد بود. بنابراین، ما تحولات و سیر آنها را نتیجه مبارزه می دانیم، نه صرفاً حاصل اجرای یک برنامه طراحی شده توسط نیروهای اشغالگر. شکی نیست که این نیروها برنامه ها و نقشه های خودشان را دارند، اما نیروهای عراقی می توانند همه اینها را تغییر دهند یا نقش بر آب کنند. ما فرایند سیاسی را یک صحنه مبارزه می بینیم و می خواهیم جهت آن را به سوی برنامه دموکراتیک ملی نزدیک تر کنیم.

### مقاومت حق مردم است

مقاومت علیه یک نیروی متجاوز حق مسلمی است که مورد پذیرش جهانی است. اما به نظر ما اشتباه است اگر مقاومت را صرفاً در **مبارزه مسلحانه** خلاصه کنیم. این مبارزه تنها یک شکل از اشکال مبارزه است که در شرایطی به کار گرفته می شود که دیگر اشکال همه امتحان شده باشند، یا امکان پذیر نباشند. از زمان سقوط رژیم در عراق، اشکال بسیار گوناگونی از مبارزه سیاسی وجود داشته اند و در آینده قابل پیش بینی هم وجود خواهند داشت. ما، و به طور کلی همه نیروهای سیاسی، به هیچ وجه هنوز همه راه های سیاسی را امتحان نکرده ایم، بویژه در عرصه های مبارزه توده ای، جنبش سندیکایی، سازمان های مدنی و غیره. از سوی دیگر، برخلاف دیگر مواردی که از گذشته می شناسیم، در عراق نیروهایی که مدعی مقاومت مسلحانه بر ضد اشغالگران هستند، تا کنون هیچ برنامه اجتماعی و سیاسی ای ارائه نداده اند و نمایندگان سیاسی خودشان را معرفی و مطرح نکرده اند. در واقع نقشه آنها یک نقشه به شدت ضد دموکراتیک و مستبدانه است. اگرچه ما معتقدیم که توسل به اسلحه در شرایط کنونی عراق زیانبار است، اما حاضریم با نیروهایی که واقعاً با اشغالگران می جنگند اما از ترور و مورد هدف قرار دادن شهروندان غیر نظامی و ساختارهای کشوری پرهیز می کنند به **گفتگو** بنشینیم. اگرچه ما وجود چنین نیروهایی را

انکار نمی‌کنیم، اما به نظر ما آنها **عنصر قابل توجهی** در عملیات مسلحانه کنونی **نیستند**، که در مجموع نیروهای **اسلام‌گرای افراطی** و طرفداران رژیم سابق در آنها غالب اند.

### **خروج نیروهای نظامی خارجی**

ما برای ایجاد شرایط برای خروج هر چه زودتر نیروهای نظامی خارجی مبارزه می‌کنیم. با وجود این، به نظر ما خواست خروج فوری این نیروها، قطبی شدن سریع کنونی کشور، موجودیت سازمان‌های پارلمانی، و عدم آمادگی کافی نیروهای انتظامی - امنیتی عراق را در نظر نمی‌گیرد. به همین دلیل است که ما خواهان تعیین یک جدول زمانی برای خروج این نیروها، همراه با تشدید تلاش‌ها در راه تأمین شرایط داخلی سیاسی، سازمانی و انتظامی - امنیتی برای تحقق امر خروج این نیروها هستیم. همان‌گونه که در بیانیه کنفرانس وفاق ملی در قاهره در نوامبر گذشته آمده است، عراقی‌ها درباره تعیین جدول زمانی خروج برای جلوگیری از هرج و مرج و لطمات و صدمات بیشتر اتفاق نظر دارند. این برنامه واقع‌گرایانه است و در مدتی نسبتاً کوتاه قابل اجراست.

ما امیدواریم که نیروهای ضد جنگ پیچیدگی‌های اوضاع در عراق را در نظر بگیرند. در همین حال، ما به حق همه احزاب و سازمان‌ها در کشورهایی که نیرو به عراق فرستاده‌اند احترام می‌گذاریم که خواهان بیرون کشیدن سریع نیروهایشان از عراق هستند. این امر داخلی خودشان است. ما هم این حق را برای خودمان قایلیم که موضع خودمان را مطابق با آنچه به نفع کشورمان تشخیص می‌دهیم تعیین کنیم. این رویکرد می‌تواند اساسی عملی و مؤثر برای عمل مشترکی باشد که در خدمت امر خطیر صلح جهانی و مبارزه برای آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و پیشرفت اجتماعی است.

ما از این امر استقبال می‌کنیم که سازمان ملل متحد نقش بزرگتری در این دوره انتقالی برای دست یافتن به استقلال کامل ملی، پایان دادن هر چه زودتر به حضور نیروهای نظامی خارجی، و حمایت از بازسازی کشور داشته باشد. ما همچنین خواهان این هستیم که سازمان ملل در کمک به عراق و مردم ما برای تکمیل کردن فرایند سیاسی و ساختن ارگان‌های قانونی دموکراتیک، به روی کار آوردن یک دولت انتخابی کاملاً برحق، و تضمین یک روند انتخاباتی شفاف، عادلانه و آزاد نقش فعالتری به عهده بگیرد.

### **همبستگی بین المللی**

با کمال تأسف باید بگوئیم که نیروهای دموکراتیک عراق در مبارزه دشوارشان، مورد همبستگی و پشتیبانی چشمگیر و مؤثری از سوی نیروهای بین‌المللی چپ قرار نگرفتند. در نتیجه، بیشتر نیروهای بین‌المللی متأسفانه تماشاگر رویدادها بوده‌اند تا این که تأثیر و نقشی مثبت در مبارزه جاری حول مسیر آتی تحولات در عراق به عهده بگیرند، بویژه در حمایت از مبارزه برای حصول یک چشم‌انداز دموکراتیک، آن هم در زمانی که نیروهای میهن‌دوست و دموکراتیک عراقی نیاز عاجل به چنین همبستگی و حمایت محکم و چندجانبه‌ای دارند.